

بافت‌های فرسوده شهری، مکان‌های جرم‌خیز: تأثیر بافت فرسوده پیرامون حرم رضوی بر وقوع جرم

حسن رضایی بحراباد¹

(تاریخ دریافت: ۸۹/۸/۷، تاریخ پذیرش: ۹۰/۲/۲۰)

چکیده

تحقیقات نشان رضوی (ثامن) نشان می‌دهد که منطقه مذکور به لحاظ فراوانی وقوع بسیاری از جرایم به نسبت جمعیت، رتبه اول یا دوم شهر مشهد را به خود اختصاص داده است. همچنین بالابودن شدت محکومیت در احکام قضایی برای مجرمان این بافت (در دو مجازات رایج حبس و شلاق) به نسبت مجرمان سایر نواحی، حاکی از شدت بزه ارتكابی در این بافت است.

با تقسیم ویژگی‌های اصلی بافت فرسوده ثامن به سه دسته کالبدی، جمعیتی و اجتماعی، و با تکیه بر نظریات ارائه شده درباره انحرافات اجتماعی و رابطه جرم و مکان، می‌توان علل بالابودن میزان جرم در این بافت را تبیین کرد. به لحاظ کالبدی: ریزدائگی، نفوذناپذیری و ناپایداری املاک فرصت فیزیکی مناسب برای ارتكاب جرم و نیز کاهش امکان کنترل رسمی را فراهم می‌کند. به لحاظ جمعیتی: ورود و خروج میلیون‌ها زائر در سال، مهاجرت ساکنان اصیل و جایگزینی گروه‌های ناهمگون اجتماعی و افزایش نسبت سال‌خوردگان، به کاهش امکان کنترل غیر رسمی و افزایش جرم می‌انجامد. همچنین به لحاظ اجتماعی: فقر و احساس محرومیت نسبی و نیز پیدایش گروه‌های کجرو در این بافت، از طریق رضایت‌بخش شدن کجروی و افزایش تماس‌های انحرافی به عضویت افراد بافت در گروه‌های کجرو و افزایش جرم منجر می‌شود.

واژگان کلیدی: آسیب‌های اجتماعی، بافت فرسوده، پیشگیری از جرم، جرم، رابطه جرم و مکان.

بیان مسئله

حدود 50 درصد از جمعیت جهان در شهرها سکونت دارند (فیالکوف، 1388: 13)²؛ فضاهایی منطقه‌ای که بستری گسترده از ساختارهای ارتباطی خرد و کلان، تعارضات اجتماعی، انواع جرایم و کجروی‌ها و خشونت‌های سازمان‌یافته را ترسیم می‌کنند. به همین دلیل، بسیاری از مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در کشورهای در حال توسعه ناشی از رشد و گسترش ناموزون نظام‌ها و فضاهای شهرنشینی بوده است. از جمله این مسائل اجتماعی، افزایش روزافزون جرایم و بزه‌کاری در محیط‌های شهری است. نکته قابل توجه این است که میزان و نوع جرایم و انحرافات اجتماعی در مناطق مختلف شهری متفاوت است؛ چرا که «جرم دارای ظرف مکانی و زمانی منحصر به فردی است که باعث می‌شود رفتار مجرمانه در واحد مکان، توزیع فضایی یکسانی نداشته باشد. برخی مکان‌ها به لحاظ ساختار کالبدی خاص، نوع فعالیت و ویژگی‌های ساکنان آن، امکان و فرصت بیشتری را برای وقوع جرم فراهم می‌کنند و مجرمان انگیزه‌دار را - که براساس انتخاب عقلانی به دنبال کم‌خطرترین و مناسب‌ترین فرصت‌ها و شرایط مکانی برای ارتكاب عمل مجرمانه هستند - به سوی خود جذب می‌نمایند» (احمدآبادی و دیگران، 1387: 254). بنابراین، برخی از مکان‌ها و نقاط شهری هستند که مستعد جرم‌خیزی و بروز آسیب‌های اجتماعی‌اند و حاشیه‌ها و بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری دو گونه اصلی این فضاهای بی‌دفاع شهری به شمار می‌روند.

پژوهش‌های متعددی درباره رابطه جرم و مکان و تأثیر ویژگی‌های کالبدی و ریخت‌شناسانه شهری بر وقوع آسیب‌های اجتماعی در داخل و خارج انجام گرفته است و نتایج بسیاری از این پژوهش‌ها نیز مؤید این رابطه و تأثیر است. برای مثال یافته‌های پژوهشی

¹ دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه دانشگاه فردوسی مشهد / rezaeebahrabad@gmail.com

2. این آمار مربوط به اواخر دهه 80 است که از سوی سازمان ملل متحد برآورد شده است. یقیناً این نسبت هم‌اکنون بیشتر شده است. در سال 2000 میلادی حدود 47 درصد از کل جمعیت جهان در مناطق شهری زندگی می‌کردند که مجموع آن‌ها 2/8 میلیارد نفر از جمعیت زمین را تشکیل می‌داد. در این سال 411 شهر با جمعیت بیش از یک میلیون نفر در جهان وجود داشت. البته در کشورهای توسعه‌یافته و صنعتی شمار شهرنشینان بیشتر از روستاییان بود.

در شهر اهواز نشان می‌دهند: «میزان جرم و بزه کاری با امکانات آموزشی - فرهنگی و... هر منطقه رابطه دارد»؛ «میزان جرم در مناطق مختلف شهر متفاوت است»؛ و «زندگی در محیط فقیر با ویژگی‌های تراکم جمعیت، فقدان امکانات تفریحی، هنری، فرهنگی، ورزشی و... سوق‌دهنده فرد به سوی جرم می‌باشد» (براتوند و اسداللهی، بی‌تا). همچنین در پژوهشی در شهر بابل «رابطه مثبت معنادار میان دو متغیر افزایش مسکن نامناسب و فراوانی اعتیاد تأیید می‌شود» (نصیری، 1385: 124). نتایج تحقیقی در شهر مشهد نیز خاطر نشان می‌سازد که «میان وضعیت سکونت خانواده با بزه کاری نوجوانان رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد» (اخگری اسلامی، 1381: 203). همچنین بافت‌های فرسوده و نقاط حاشیه‌ای شهر مشهد نیز به لحاظ فراوانی وقوع جرایم و آسیب‌ها در جایگاه بالاتری نسبت به سایر نقاط شهری قرار دارند. برای مثال منطقه 5 شهرداری (حاشیه) و منطقه 8 ثامن (بافت فرسوده) در این شهر عموماً در بیشتر جرایم، رتبه نخست را به خود اختصاص داده‌اند (ر.ک بخش یافته‌های تحقیق در همین مقاله). نتایج مطالعات میدانی حاکی از وجود رابطه احتمالی³ و امکانی⁴ بیشتر بین دو پدیده آلودگی‌های محیطی (متغیر مستقل) و آلودگی‌های رفتاری (متغیر وابسته) است و لذا از طریق مدیریت و برنامه‌ریزی محیطی در محیط‌های مسکونی، می‌توان از پیدایش آلودگی‌های رفتاری پیشگیری کرد (صالحی و ابوالحسنی، 1386: 67). با نگاهی جزئی‌تر می‌توان گفت بین ارتکاب جرایم و ویژگی‌های محل وقوع جرم، مثل تاریکی و خلوتی محیط، ارتباط معناداری وجود دارد. به علاوه، تراکم جمعیت نیز به‌عنوان عامل مؤثر در بروز جرم عمل می‌کند. این پدیده در بخش مرکزی شهر تهران سبب افزایش میزان جرایم شده است. به نظر می‌رسد که تعداد جمعیت بیشتر، با افزایش سطح اصطکاک اجتماعی و رفتاری و برخورد منافع ساکنان این مناطق، موجب افزایش بروز رفتارهای ناهنجار در مناطق و نواحی پرتراکم شده است. علاوه بر این، فشار جمعیت و ازدحام آن یکی از موانع کنترل اجتماعی محسوب می‌شود و با از هم گسیختگی و ناهمگونی روابط افراد به‌عنوان عاملی مثبت و مؤثر در بروز جرم عمل می‌کند (پوراحمد و دیگران، 1382: 81 و 97). همچنین در شهر شیراز بیشترین میزان جرم در مناطقی اتفاق افتاده است که دارای بالاترین میزان تراکم جمعیت بوده‌اند و تحرک جمعیتی بیشتر و بافت قدیمی‌تر و کهنه‌تری داشته‌اند (بیانلو و منصوریان، 1385: 51).

این وضع در کشورهای دیگر نیز به چشم می‌خورد. مثلاً لافون و میشو در سال 1976 تحقیقاتی در شهر گرونوبل فرانسه انجام دادند و به‌روشنی مشخص کردند که اطفال بزه‌کار، بیشتر در ساختمان‌های ناسالم و برخی از محلاتی بوده‌اند که برای سلامتی اخلاق زیان‌آور است. این تحقیقات نشان می‌دهد که بزه‌کاری جوانان در این محلات و ساختمان‌های مخروبه از حد متوسط مجموع بزه‌کاری شهرها زیادتر بوده است. در واقع 18 درصد بزه‌کارانی که جرایم گوناگون را مرتکب شده‌اند، اغلب در محله‌های مخروب و ناسالم ساکن بوده‌اند و 35 درصد آن‌ها کسانی هستند که در ساختمان‌ها و محلات بدنام و فاسد ساکن بودند. این پژوهشگران نهایتاً رابطه محیط سکونت و بزه‌کاری را تأیید می‌کنند (مسعودی‌فر، 1385). نتایج پژوهش خارجی دیگری نیز نشان می‌دهد که افراد ساکن در قسمت فقیرنشین شهر ایندیانا آمریکا، که فقط 10 درصد جمعیت شهر را تشکیل می‌دهند، از 30 درصد خدمات بیمارستانی و 24 درصد کلینیک‌های امراض مقاربتی و 19 درصد مراکز امراض روانی استفاده می‌کنند و تقریباً 36 درصد بودجه، صرف محاکمه و زندانی کردن جنایت‌کاران و قاتلان این ناحیه به‌خصوص شده است (ابراهیمی و مسگریان، 1387: 23). همچنین یافته‌های پژوهشی که آژانس خانه‌سازی دولت فدرال آمریکا انجام داده نشان می‌دهد که خانه‌های نامناسب، عامل مهمی در تمام اشکال کجروی‌های اجتماعی، به‌خصوص بزه‌کاری جوانان، است. در این پژوهش برخی از دلایل رابطه بزه‌کاری با محل سکونت چنین عنوان شده است:

- نواحی دارای خانه‌های ارزان‌قیمت، خیابان‌های تنگ و پر پیچ و خم و شلوغ، نسبت و میزان زیادی از بزه‌کاری را در خود جمع کرده‌اند.

- نقاطی از شهر که از نظر ازدحام، داشتن منازل نامناسب و مراکز تفریحی غیربهداشتی جزء نقاط عقب‌مانده و فقیرنشین به حساب می‌آیند، از نظر ایجاد بزه‌کاری و موارد جرم سهم بیشتری دارند.

- خانه‌هایی که افراد کجرو بدان وابسته‌اند، معمولاً جاهایی نامناسب است و آن‌ها از هیچ‌گونه امکانات بهداشتی و تفریحی برخوردار نیستند (همان: 24).

از توجه به این شواهد می‌توان دریافت که مکان، به‌عنوان عاملی بی‌واسطه در وقوع جرم، در مقایسه با عوامل فردی یا ساختاری

3. Probability

4. Possibility

دیگر، این امکان را فراهم می‌سازد تا راه کارهای عملی‌تری برای پیشگیری از جرم عرضه گردد. از سوی دیگر، تحلیل فضایی جرم در شهرها به شناسایی الگوهای رفتار مجرمانه، کشف کانون‌های جرم‌خیز و در نهایت تغییر این شرایط و خلق فضاهای مقاوم در برابر جرم و رفع ناهنجاری‌های شهری کمک می‌کند. از این رو، بررسی‌های مکانی از اهمیت به‌سزایی در مطالعه جرم برخوردار هستند. نوشتار حاضر به میزان و چگونگی وقوع جرایم و آسیب‌های اجتماعی در بافت فرسوده می‌پردازد، با تأکید بر بافت فرسوده پیرامون حرم رضوی و عواملی که بر این پدیده تأثیر می‌گذارند.

سوابق نظری

نظریه‌های جامعه‌شناسی انحرافات (آسیب‌شناسی اجتماعی) را براساس واحد تحلیل و نوع نگاه به علل جرم می‌توان به دو رویکرد کلی تقسیم کرد: اولین رویکرد، رویکرد جامعه‌شناختی است که در مطالعه جرم، به فرد، انگیزه‌ها، تمایلات ذهنی، ویژگی‌های شخصیتی، زمینه خانوادگی و تعلق گروهی مجرم توجه دارد. این رویکرد، با تکیه بر نظریه‌های جامعه‌شناختی، به تأثیر عوامل اجتماعی تام بر وقوع جرم و جرم تأکید دارد. در مقابل، در رویکرد دوم، که آن را رویکرد بوم‌شناختی می‌نامیم، بررسی زمینه عینی وقوع جرم و عوامل موقعیتی و فرصت‌هایی که باعث وقوع جرم می‌شود، بیش از عوامل اجتماعی جرم، مانند فقر و بیکاری، مورد توجه است (سورنسون و دیگران، 1998: 55). مکان، محیط جغرافیایی، خصوصیات فیزیکی محیط، معماری و طراحی فضاها و به طور کلی زمینه‌های موقعیتی می‌توانند به‌عنوان متغیرهای تأثیرگذار در رویکرد دوم مطرح شوند. تأکید بر مکان در نظریه‌های این رویکرد، کاستی‌های ناشی از تأکید صرف بر انگیزه‌های مجرمانه را در شناخت و تبیین جرم جبران می‌کند (کوهن و فلسون، 1979: 114). علاوه بر این، رویکرد دوم نسبت به رویکرد اول، پیشگیری جرم از طریق سامان‌دهی و بهبود مکان و کاهش جاذبه‌های مجرمانه را به صورت گسترده‌تری مورد توجه قرار داده است (احمدآبادی و دیگران، 1387: 257). در زیر به برخی از مهم‌ترین نظریه‌های این دو رویکرد که با موضوع این نوشتار تناسب دارند اشاره می‌شود:

رویکرد جامعه‌شناختی

از جمله نظریات مربوط به رویکرد جامعه‌شناختی، نظریه‌های پیوند و تقویت افتراقی هستند که در زمره نظریات یادگیری اجتماعی (صدیق سروستانی، 1385: 43) قرار می‌گیرند. تأکید اصلی این نظریات بر دخیل‌بودن محیط اجتماعی و انسانی در بروز انحرافات اجتماعی است. نظریه پیوند افتراقی ادوین سادرلند، مشهورترین نظریه از مجموع نظریه‌های جامعه‌پذیری یا یادگیری در مباحث کج‌رفتاری اجتماعی است. نکته اصلی نظریه سادرلند این است که افراد به این علت کج‌رفتار می‌شوند که تعداد تماس‌های انحرافی آنان بیش از تماس‌های غیر انحرافی‌شان است. این تفاوت تعامل افراد با کسانی که اندیشه‌های کج‌روانه دارند، نسبت به افرادی که از اندیشه‌های هم‌نویانه برخوردارند (یعنی تماس بیشتر آنان با کج‌رفتاران یا ایده‌های کج‌رفتاری) علت اصلی کج‌رفتاری آن‌هاست (همان: 43). بنابراین، وی عقیده دارد اگر فردی در محیط مجاور خود در معرض عوامل جرم‌زا قرار گیرد تا غیر جرم‌زا، احتمال قانون‌شکنی‌اش افزایش می‌یابد (مسعودی‌فر، 1385).

رابرت برگس و راندل ایکرز بر اساس نظریه تقویت در روان‌شناسی، که می‌گوید ادامه یا توقف هر نوع رفتاری بستگی به تشویق یا مجازات دارد، یعنی تشویق موجب ادامه رفتاری خاص و مجازات باعث توقف آن خواهد شد، نظریه سادرلند را مورد سؤال قرار داده‌اند. به بیان دیگر، این دو مدعی‌اند که صرف پیوند با کج‌رفتاران کسی را کج‌رفتار نمی‌کند، بلکه همین افراد کج‌رفتاری را به هم‌نویایی ترجیح خواهند داد، در صورتی که نسبت به هم‌نویایی - با مقدار فراوانی و احتمال بیشتر - رضایت‌بخش‌تر باشد. برگس و ایکرز براساس قانون نیروی تقویت افتراقی می‌گویند که اگر عواملی نیروهای تقویت‌کننده تولید کنند، آن عاملی بیشترین احتمال وقوع را دارد که بیشترین تقویت‌کننده را به لحاظ مقدار، فراوانی و احتمال تولید می‌کند (برگس و ایکرز، 1966). بنابراین، از نظر آن‌ها، دخالت متغیر سوم، یعنی تقویت افتراقی، در فضای پیوند افتراقی، علت اصلی کج‌رفتاری است (صدیق سروستانی، 1385: 45).

در نظریه‌های کنترل نیز موضوع اصلی این است که اعمال کنترل اجتماعی بر افراد است که جلوی کج‌رفتاری را می‌گیرد و بنابراین، فقدان یا ضعف کنترل اجتماعی، علت اصلی کج‌رفتاری است. هیرشی (1969) و بریت ویت (1989) از صاحب‌نظران اصلی این نظریه‌اند. به نظر هیرشی، پیوند میان فرد و جامعه مهم‌ترین علت هم‌نویایی و عامل اصلی کنترل رفتارهای فرد است و ضعف این پیوند یا نبودن آن موجب اصلی کج‌رفتاری است (همان: 47). بریت ویت نیز از کنترل افراد توسط جامعه از طریق شرم‌نده‌سازی

متخلف بحث می‌کند. به نظر وی، شرم‌نده‌سازی نوعی ابراز عدم تأیید اجتماعی نسبت به رفتاری خاص برای تحریک ندامت در شخص خلافکار است و در آن ضمن اعلام درک احساس کج‌رفتار نوعی احساس تقصیر در او ایجاد می‌کند و او را از ادامه کج‌رفتاری باز می‌دارد (همان: 48 و 49).

رویکرد بوم‌شناختی

در این رویکرد، بر ویژگی‌های مکانی، فیزیکی و محیطی مؤثر بر جرم تأکید می‌شود. عمده دیدگاه‌های نظری معاصر در جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی جنایی (جرم) که با رویکرد دوم به بررسی جرم می‌پردازند، مکان را هسته اصلی تبیین در نظر می‌گیرند. در اوایل قرن بیستم، کلیفورد شاور و هنری مک‌کی با تأکید و تمرکز بر خصوصیات محل به‌جای خصوصیات مجرمان در ماهیت تحقیقات جرم‌شناسی تغییرات بنیادی پدید آوردند و مطالعه جرم را به زمینه اجتماعی و اجتماعات وارد کردند (سان و دیگران، 2004 و اکرم و مورای، 2004). آن‌ها با مطالعه محله‌ها و سرگذشت زندگی بزه‌کاران به این نتیجه دست یافتند که محلات دارای بالاترین میزان جرم، در نواحی صنعتی یا تجاری قرار دارند (سنیپس و ولد، 1381: 202). استارک پنج جنبه ساختار شهری را به‌عنوان فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده ارتکاب جرم در محلات و کاهش نظارت اجتماعی غیر رسمی برشمرد که عبارت بودند از تراکم، فقر، کاربری مختلط (وجود اقامتگاه، صنایع و فروشگاه‌ها در یک مکان)، مهاجرت (ورود و خروج مداوم به آن) و خرابی و فروریختگی ساختمان‌ها (استارک، 1987). برگس معتقد بود توسعه شهر، همانند دایره مرکزی شکل می‌گیرد که در هر یک از این دایره‌ها فعالیت خاصی در جریان است. منطقه 1 محل فعالیت‌های تجاری؛ منطقه 2 تحت عنوان منطقه در حال تغییر و تبدیل نام‌گذاری شده و منطقه‌ای است که هسته اصلی شهر را احاطه کرده؛ منطقه 3 محل سکونت کارگران؛ منطقه 4 محل سکونت طبقه متوسط؛ و منطقه 5 محل سکونت طبقات مرفه جامعه می‌باشد (ممتاز، 1381: 85). برگس بر این باور است که در منطقه انتقالی (منطقه 2) به دلیل سطح بالای تحرک جمعیت، میزان بالای مهاجرت، ویرانی خانه‌ها و تراکم جمعیت، بالاترین میزان جرم و بزه‌کاری مشاهده می‌شود. عدم ثبات جمعیتی و بوم‌شناختی در منطقه انتقالی موجب تخریب توانایی کارکرد نهادهای اجتماعی از قبیل خانواده و کنترل رفتار ساکنان می‌شود (احمدی، 1383: 62).

رهیافت فرصت نیز در جرم‌شناسی به قلمرو و مکان وقوع جرم توجه می‌کند و بر این اساس استوار است که برخی موقعیت‌ها برای جرم مساعدتر از سایر موقعیت‌هاست (برک بک و لافری، 1993: 123). گراسمیک و همکارانش موقعیتی را فرصت می‌دانند که در آن عمل جرم/انحراف ممکن می‌گردد (گراسمیک و دیگران، 1993). تایتل و همکارانش معتقدند در تبیین فضای مفهومی فرصت باید بین زمینه بی‌واسطه فیزیکی آن و بخش‌های فردی موقعیت، مثل تصمیم‌گیری درباره انجام دادن یا ندادن جرم تمایز قائل شد. به عبارت بهتر، فرصت جرم زمانی وجود دارد که عمل مجرمانه مشخصی از نظر فیزیکی ممکن باشد؛ مثل نبود نگهبان مسلح در بانک یا قفل‌های قابل شکستن (تایتل و دیگران، 2003: 72).

نظریه فعالیت روزمره (کوهن و فلسون، 1979) و نظریه انتخاب عقلانی (کلارک و کورنیش، 1985) در زمره رهیافت فرصت قرار دارند. فصل مشترک این نظریه‌ها معرفی فرصت به‌عنوان عامل جرم و ارائه تصویر جرم به‌عنوان واقعه‌ای موقعیتی است (فلسون و کلارک، 1998؛ برک بک و لافری، 1993؛ به نقل از احمدآبادی و دیگران، 1387: 259).

کوهن و فلسون در نظریه فعالیت روزمره ادعان کردند که وقوع جرم تابعی است از مجرم باانگیزه، حضور اهداف مناسب (شیء، مکان یا فرد)، و غیبت پاسبان کارآمد مثل پلیس در خیابان یا نگهبان آپارتمان. میزان جرم می‌تواند در اثر تغییر در وضعیت اهداف در دسترس یا کارآمدی پاسبانان تغییر کند. اهداف زمانی مناسب محسوب می‌شوند که ارزشمند، سبک، قابل دسترس، در معرض دید، قابل پنهان شدن، مطلوب و قابل مصرف باشند (فلسون و کلارک، 1998: 5). در این نظریه، توزیع جرم در تقاطع زمان، مکان، اهداف مناسب و مجرمان انگیزه‌دار تعیین می‌شود. این تقاطع زمانی و مکانی را انواع مشخصی از فعالیت‌ها در مکان‌های خاص، از محیط‌های کاملاً ساخت‌یافته مثل محل کار و مدرسه تا محیط‌های کمتر ساخت‌یافته مثل خانه و مکان‌های تفریحی، شکل می‌دهند (انسلین و دیگران، 2000؛ به نقل از احمدآبادی و دیگران، همان: 259).

فرض اصلی نظریه کلارک و کورنیش این است که جرم رفتاری هدفمند است و برای نفع‌بردن مجرم طراحی می‌شود. انواع جرم برحسب هدف مجرم، فاکتورهای موقعیتی، فرآیند محاسبه و تصمیم‌گیری مجرم متفاوت است (کلارک و کورنیش، 1985). این

نظریه سعی می‌کند به فرصت‌هایی که انگیزه لازم برای انتخاب عقلانی رفتار مجرمانه را برمی‌انگیزند، توجه کند (فلسون و کلارک، 1998). از این رو، فرصت را عامل نهایی جرم می‌داند و نقش فرصت مناسب را در جریان تصمیم‌گیری مهم فرض می‌کند (رادکلیف، 2006).

در ادامه و تکمیل این نظریات، رهیافت پیشگیری مکانی از جرم وارد میدان شد. دو رهیافت کلی و عمده در بحث پیشگیری مکانی از جرم مطرح است که عبارت‌اند از پیشگیری جرم از طریق طراحی محیط⁵ و پیشگیری موقعیتی از جرم⁶. وجه عمده شباهت این دو رهیافت در تأکید بر مکان وقوع جرم، طراحی و مدیریت مکان برای پیشگیری از جرم است. اصطلاح «پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی» را اولین بار جرم‌شناس آمریکایی به نام سی. ری. جفری (1977) در کتابی با همین عنوان فرمول‌بندی کرد که در نظریه فضای قابل دفاع اسکار نیومن توسعه یافت. پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «طراحی مناسب و کاربری مؤثر از فضا و محیط ساخته‌شده که منجر به کاهش فرصت‌های مجرمانه، ترس از جرم و بهبود کیفیت زندگی می‌شود». این نظریه بر این اندیشه مبتنی است که رفتار انسانی در محیط تحت تأثیر طراحی آن محیط قرار دارد. این نظریه تأکید دارد که با بهینه‌سازی فرصت‌های نظارت، تعریف مشخص و واضح از قلمرو و ایجاد تصویری مثبت از محیط می‌توان مجرمان را از ارتکاب جرم بازداشت. این نظریه از شش جزء تشکیل شده است که عبارت‌اند از: تعیین قلمرو، نظارت طبیعی، کنترل دسترسی، حفظ و نگهداری محیط، سخت‌کردن اهداف جرم و فعالیت‌های پشتیبانی (محمودی جانکی و قورچی بیگی، 1388: 349). در ادامه کار جفری، اسکار نیومن با طرح نظریه «فضای قابل دفاع»، بر تأثیر خصوصیات فیزیکی محله مسکونی بر میزان جرم در آن تأکید و ادعان کرد که خصوصیات معماری، طرح فیزیکی و نقشه ساختمان‌های مسکونی بر الگوی روابط بین افراد محله و نظارت اجتماعی غیر رسمی تأثیر می‌گذارد (نیومن، 1972). از نظر نیومن، به کارگیری استراتژی فضای قابل دفاع می‌تواند بوم‌پایی پنهان، حس جمعی ساکنان، احساس مسئولیت آن‌ها برای تأمین امنیت و حفظ محله‌ای سالم، مولد و مراقبت‌شده، مداخله در جرم و گزارش آن را به پلیس بهبود بخشد (احمدآبادی و دیگران، 1385: 261). نظریه پیشگیری موقعیتی از جرم نیز در انگلستان به دست دانشمندانی چون کلارک و مایهپو با تأکید بر کاهش فرصت‌ها برای وقوع جرم از طریق بهبود طراحی و مدیریت محیط وضع شد که براساس آن، انسان عقلانی است و با محاسبه خطرات و مزایای هر عمل، مجموعه‌ای از رفتارها را ترجیح می‌دهد. این رهیافت به نظریه فعالیت روزمره بسیار نزدیک است (کلارک و مایهپو، 1998).

چارچوب نظری

با جمع‌بندی نظریات یادشده به نظر می‌آید که مکان (محیط) از سه راه وقوع جرم را تسهیل می‌کند: الف) مشخصات فیزیکی یا ساختمانی مکان، توانایی کنترل اجتماعی را در مقابل جرایم مختلف کاهش می‌دهد و مقدمات مکانی جرم به خودی خود و مستقل از خصوصیات ساکنان بر جرم تأثیر می‌گذارد. ب) گذشته از خصوصیات فیزیکی مکان، جرم تصادفاً یا اتفاقی در مکان توزیع نمی‌شود. محیط دارای اهداف و موقعیت‌های جذاب‌تر، برای مجرمان جالب توجه خواهد بود. بعضی مکان‌ها به دلیل نوع افرادی که جذب می‌کنند می‌توانند سطوح بالاتر جرم را رقم بزنند؛ مثلاً، ساختمان‌های رهاشده یا سکونت‌گاه‌های خراب بدون مالک برای مبادله‌کنندگان مواد مخدر جذاب است (احمدآبادی و دیگران، 1385: 261).

ج) زندگی و اجتماعی شدن در محیطی که اولاً تراکم جرایم در آن زیاد است و بنابراین تعداد تماس‌های انحرافی فرد افزایش می‌یابد (سادلرند) و ثانیاً خرده‌فرهنگ‌های بزه‌کار در آن تقویت‌کننده جرم هستند (برگس و ایگرز)، سوق‌دهنده افراد، به‌خصوص نسل جوان، به سمت جرم و انحراف می‌شود.

روش تحقیق

پژوهش حاضر نوعی پژوهش توصیفی - تحلیلی است که در آن ترکیبی از روش‌های اسنادی⁷ و تحلیل ثانویه⁸ به کار رفته است.⁹

5. Crime Prevention through Environmental Design (CPTED)

6. Situational Crime Prevention (SCP)

7. Documentary method

یکی از انواع فرعی پژوهش‌های اسنادی عبارت است از تحلیل مجدد مجموعه‌ای از داده‌ها و نتایج تحقیقاتی که نویسندگان دیگر، حکومت و سازمان‌های مختلف گزارش کرده‌اند که به طور منظم آمار رسمی دربارهٔ انبوهی از پدیده‌های اجتماعی - مانند جمعیت، جرم و جنایت، ازدواج و طلاق، خودکشی، میزان بیکاری و... - را منتشر می‌کنند (گیدنز، 1378: 726). در این پژوهش نیز برای دستیابی به داده‌های کمی برای توصیف میزان جرم و آسیب‌های اجتماعی در بافت فرسودهٔ اطراف حرم رضوی و مقایسهٔ آن با سایر مناطق شهر مشهد، از داده‌های از پیش موجود در دو منبع «گزارش عملکردی دادگاه‌های عمومی و انقلاب شهرستان مشهد از تاریخ 1387/01/01 تا 1388/10/24» و همچنین «طرح پژوهشی آمایش فرهنگی اجتماعی شهر مشهد 1386» استفاده شده است. پس از پاسخ به سؤال توصیفی و نشان‌دادن بالابودن میزان جرم در بافت فرسوده اطراف حرم رضوی، با تکیه بر نظریات مطرح‌شده در سوابق و چارچوب نظری، به تبیین جامعه‌شناختی چگونگی تأثیرگذاری ویژگی‌های این بافت بر افزایش میزان جرم پرداخته خواهد شد. دو متغیر اصلی این پژوهش عبارت‌اند از «بافت‌های فرسودهٔ شهری» و «جرم». منظور از بافت شهری، دانه‌بندی و درهم‌تنیدگی فضاها و عناصر شهری است که به تبع ویژگی‌های محیط طبیعی و خصوصاً توپوگرافی در محدودهٔ شهری به طور فشرده یا گسسته و با نوعی نظم مستقر شده‌اند. مراد از فرسودگی نیز همان ناکارآمدی و کاهش کارایی بافت نسبت به میانگین بافت‌های شهری مکان مورد بررسی است (سایت شرکت مادر تخصصی عمران و به‌سازی شهری ایران، 1389). پیامد فرسودگی بافت که در نهایت منجر به از بین رفتن منزلت آن در میان شهروندان می‌شود، در اشکال گوناگون از جمله کاهش یا فقدان شرایط زیست‌پذیری و ایمنی، و نابسامانی کالبدی، اجتماعی، اقتصادی و تأسیساتی در بافت مشاهده می‌گردد. مبنای شناسایی بافت‌های فرسوده، بلوک‌های شهری است. هر بلوک شهری که 50 درصد قطعات آن مشمول هر یک از معیارهای زیر باشد فرسوده به شمار می‌آید:

- ناپایداری: این شاخص نشان‌دهندهٔ عدم تأمین سیستم سازه‌ای مناسب و غیرمقاوم برای بناهاست و بلوک ناپایدار، بلوکی است که دست‌کم 50 درصد بناهای آن غیر مقاوم باشند.

- نفوذناپذیری: این شاخص نشان‌دهندهٔ عدم دسترسی مناسب و با عرض کافی برای خودرو است و بلوک نفوذناپذیر، بلوکی است که دست‌کم 50 درصد معابر آن دارای عرض کمتر از 6 متر باشند.

- ریزدانی: این شاخص نیز نشان از فشردگی بافت و کثرت قطعات کوچک با مساحت اندک دارد و بلوک ریزدانه، بلوکی است که دست‌کم 50 درصد پلاک‌های آن دارای مساحت کمتر از 200 متر مربع باشند (همان).

مفهوم جرم¹⁰ نیز از دو منظر حقوقی و جامعه‌شناختی مورد توجه قرار گرفته است. به تصریح قانون: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می‌شود» (سایت دادگستری استان تهران)¹¹. تعریف جامعه‌شناختی جرم نیز عبارت است از هر نوع رفتاری که با هنجارها یا مقررات گروه (جامعه)، هم‌نواپی نداشته باشد (دورکیم، 1964). بنابراین، می‌توان گفت جرم هرگونه تخطی از نظام هنجاری جاری در جامعه است که از طریق قانون جزا می‌تواند قابل پیگرد باشد.

یافته‌های تحقیق

بافت فرسودهٔ اطراف حرم رضوی ضمن دارابودن موقعیت و ویژگی‌های خاص، بسیاری از ویژگی‌های عمومی بافت‌های فرسودهٔ شهری را نیز داراست. مساحت این بافت حدود 300 هکتار است و حدود 13000 ملک با کاربری‌های مختلف در این بافت وجود دارد (سایت شرکت مادر تخصصی عمران و به‌سازی شهری ایران، 1389).

کاربری اراضی بافت

در محدودهٔ بافت حدود 49 درصد مساحت اراضی به کاربری مسکونی و 6 درصد آن به کاربری تجاری اختصاص یافته است. بافت

⁸. Secondary analysis

⁹. از منظری دیگر می‌توان گفت پژوهش حاضر نوعی تحلیل بوم‌شناختی (اکولوژیکی) است که در آن بر مناسبات و روابط مشترک بین انسان و محیط و تبیین وابستگی آن‌ها تأکید می‌شود.

¹⁰. هر چند بین واژه‌های «جرم»، «کجروی»، «انحراف» و «بزه‌کاری» تفاوت‌های دقیق و ظریفی وجود دارد؛ مع‌هذا در این نوشتار مسامحتاً این واژگان را به صورت مترادف به کار می‌بریم.

¹¹. ماده 2 قانون مجازات اسلامی مصوب 1375/3/2

کالبدی در این قسمت قدیمی است و با اندکی اغماض از الگوی مرکزی شعاعی با گذرگاه‌های تنگ و پر پیچ و خم تبعیت می‌کند. اگرچه 23 درصد اراضی در این محدوده به شبکه ارتباطی اختصاص یافته، توزیع مسیرها به نحوی است که پاسخگوی نیاز حمل و نقل شهری نیست. فضای سبز موجود در منطقه حدود 1 درصد است و از این نظر پایین‌ترین سرانه را در شهر مشهد داراست (آمارنامه شهر مشهد، 1387: 35) و فضای آموزشی نیز بسیار کم است. به طوری که نیازهای جمعیت ساکن را برآورده نمی‌سازد (مرکز اطلاعات و اسناد شهرداری ثامن). این در حالی است که میانگین تقاضای استفاده از پارک و فضای سبز در کل شهر مشهد معادل 0/77 بوده است که کمترین آن به منطقه‌های 2 و 11 (هر کدام معادل 0/61) و بیشترین آن به منطقه‌های ثامن و 8 (هر کدام 0/86) مربوط است. همچنین کمترین میزان دسترسی منطقه ثامن مربوط به سالن و زمین ورزشی و بیشترین تقاضای منطقه ثامن مربوط به پارک و فضای سبز است (بهروان، 1386: 255).

عمر ساختمان‌ها در محدوده بافت

از مجموع ساختمان‌های این محدوده، 70 درصد بیش از 20 سال، 13 درصد بین 10 تا 20 سال و 3 درصد کمتر از 10 سال عمر دارند و تنها حدود 2 درصد را ساختمان‌های قابل نگهداری تشکیل می‌دهند (مرکز اطلاعات و اسناد شهرداری ثامن).

مساحت قطعات املاک بافت

اطلاعات به دست آمده مبین این مطلب است که در مجموع 30 درصد قطعات محدوده بافت دارای مساحت زیر 100 متر مربع و 70 درصد قطعات دارای مساحت کمتر از 200 متر مربع است. به عبارت دیگر، عمده قطعات این محدوده را پلاک‌های کوچک و ریزدانه تشکیل می‌دهند (همان).

نسبت سنی جمعیت ساکن

به دلیل پایین بودن شاخص‌های کیفیت زندگی در این بافت، نسبت سنی جمعیت در این بافت تغییر کرده است. بسیاری از جمعیت جوان و فعال از بافت مهاجرت کرده‌اند و بنابراین نسبت سال‌خوردگان و سالمندان در این بافت افزایش پیدا کرده است. به طوری که نسبت گروه اخیر به کل جمعیت بافت بیش از دو برابر همین نسبت در سطح کل شهر مشهد است. جدول و نمودار زیر این وضعیت را نشان می‌دهد (سایت مرکز آمار ایران)¹²:

جدول 1. نسبت جمعیت بالای 60 سال به کل جمعیت

منطقه ثامن	مشهد	
32.330	۲.427.316	کل جمعیت (نفر)
۴.419	158.760	جمعیت بالای 60 سال (نفر)
13.66%	6.5%	نسبت جمعیت بالای 60 سال به کل جمعیت (درصد)

منبع: سرشماری 1385، مرکز آمار ایران

نرخ جرایم و آسیب‌های اجتماعی در بافت

پس از آشنایی مختصر با ویژگی‌های بافت فرسوده اطراف حرم رضوی (ثامن)، در ادامه به آمار آسیب‌های اجتماعی در این منطقه و مقایسه آن با سایر مناطق شهر مشهد اشاره می‌شود.

1. آمار جرایم برحسب تعداد محکومان زندان مرکزی مشهد و نسبت آن‌ها به جمعیت منطقه به تفکیک مناطق دوازده‌گانه مشهد و جرم ارتكابی:

جدول و نمودارهای زیر نشان‌دهنده نسبت تعداد محکومان هریک از مناطق دوازده‌گانه شهر مشهد و منطقه ثامن است که

¹². می‌توان حدس زد که از سال 1385 تاکنون این فاصله و نسبت بیشتر نیز شده است.

در سال 1386 در زندان مرکزی مشهد دوران محکومیت خود را می‌گذرانده‌اند. این نسبت از تقسیم تعداد محکومان هر منطقه بر تعداد جمعیت هر منطقه به تفکیک نوع جرم به دست آمده است.

جدول 2. تعداد محکومان زندان مرکزی مشهد و نسبت آن‌ها به جمعیت منطقه به تفکیک مناطق دوازده‌گانه مشهد و جرم ارتكابی

مناطق جرم	یک	دو	سه	چهار	پنج	شش	هفت	هشت	نه	ده	یازده	ثامن
	تعداد جمعیت سال 85 (نفر)	1725	4571	3039	2433	1566	1962	2165	1034	2535	2362	1709
نسبت تعداد محکومان هر منطقه به جمعیت منطقه، برحسب درصد	اعتیاد	0.02	0.03	0.05	0.07	0.15	0.03	0.04	0.02	0.05	0.02	0.12
	ضد عفت	0.01	0.01	0.02	0.01	0.03	0.00	0.01	0.02	0.01	0.00	0.06
	جعل	0.00	0.00	0.00	0.00	0.01	0.00	0.00	0.00	0.00	0.00	0.02
	سرقت	0.04	0.05	0.08	0.12	0.20	0.06	0.05	0.05	0.04	0.07	0.13
	علیه اشخاص	0.02	0.03	0.03	0.04	0.06	0.01	0.02	0.03	0.01	0.03	0.06
	علیه اموال	0.04	0.03	0.02	0.03	0.03	0.01	0.02	0.04	0.02	0.04	0.06
	مواد مخدر	0.05	0.08	0.10	0.15	0.45	0.09	0.08	0.10	0.07	0.11	0.17
	جمع	0.18	0.23	0.30	0.42	0.93	0.20	0.22	0.28	0.17	0.32	0.62

جدول نشان می‌دهد که تعداد محکومان منطقه ثامن نسبت به جمعیت این منطقه، در جرایم ضد عفت، علیه اشخاص و اموال، رتبه اول و در سایر جرایم، رتبه دوم شهر مشهد را به خود اختصاص داده‌اند که این امر نشان از بالابودن میزان جرم و بزه در این منطقه دارد.¹³

2. آمار جرایم برحسب تعداد دادنامه‌های ورودی به مراجع قضایی شهر مشهد به تفکیک مجتمع قضایی:

جدول زیر تعداد دادنامه‌های (شکایات) ورودی به مراجع قضایی شهر مشهد را برحسب نوع جرم (اتهام) و به تفکیک مجتمع‌های قضایی شهر مشهد نشان می‌دهد. گفتنی است با اینکه حوزه‌های شعب قضایی شهر مشهد انطباقی با تقسیم‌بندی دوازده‌گانه مناطق (شهرداری) ندارد، اما مجتمع قضایی ثامن استثناست و قلمرو حوزه این مجتمع تنها شامل منطقه ثامن می‌شود. به عبارت دیگر، طبق روال مرسوم، دعاوی قضایی شهروندان منطقه ثامن به مجتمع قضایی ثامن و دعاوی سایر مناطق شهر (یازده منطقه دیگر) به هفت شعبه قضایی دیگر شهر ارجاع می‌شوند. بنابراین، داده‌های زیر می‌توانند میزان وقوع جرایم را در منطقه ثامن با دیگر مناطق شهر (بدون در نظر گرفتن وسعت و جمعیت سایر مناطق) مقایسه کنند. پس توجه به این نکته مهم است که اگرچه جمعیت منطقه استحفاظی ثامن کمتر از حوزه‌های سایر شعب است، میزان وقوع جرم در این منطقه در جرایم نگهداری نوار و سی‌دی مبتذل و مزاحمت برای بانوان و اطفال، در رتبه اول و در جرایم اعتیاد به مواد مخدر، نگهداری و مالکیت مواد مخدر و سرقت

¹³ - در این جا ذکر این نکته لازم است که منطقه 5 که در برخی از جرایم رتبه نخست را احراز کرده است، در حاشیه شرقی شهر مشهد قرار دارد و بیشتر ساکنان آن را اقشار ضعیف و حاشیه‌نشین تشکیل می‌دهند؛ و از این نظر رقابت آن با منطقه ثامن که در مرکزی‌ترین و مهم‌ترین و احتمالاً مذهبی‌ترین ناحیه شهر مشهد قرار دارد جالب توجه است.

مستوجب تعزیر در رتبه دوم شهر مشهد قرار دارد.

جدول 3. تعداد دادنامه‌های ورودی به مراجع قضایی شهر مشهد به تفکیک مجتمع قضایی

جمع	نگهداری و مالکیت مواد مخدر	سرقت مستوجب تعزیر	مزاحمت برای بانوان و اطفال	اعتیاد به مواد مخدر	نگهداری نوار و سی دی مبتذل	نوع اتهام مجتمع قضایی
1097	44	478	121	422	32	هاشمی نژاد
583	55	233	40	235	20	امام خمینی
568	21	170	147	217	13	باهنر
2627	216	1585	161	633	32	ثامن
314	48	134	45	65	22	رجایی
9908	296	6445	25	3061	81	قدوسی
379	39	146	82	93	19	کامیاب
369	43	220	16	88	2	مدنی

3. آمار جرایم برحسب میزان و نوع محکومیت متهمان در مراجع قضایی شهر مشهد به تفکیک مجتمع قضایی: جدول و نمودارهای زیر متوسط میزان محکومیت افرادی را - به تفکیک مجتمع قضایی - نشان می‌دهند که در محاکم شعب قضایی مشهد به مجازات «شلاق حدی» و «حبس تعزیری» محکوم شده‌اند.

جدول 4. متوسط میزان مجازات محکومان شعب قضایی مشهد

مجموع قضایی	حبس تعزیری (بر حسب ماه)	شلاق حدی (بر حسب ضربه)
هاشمی نژاد	5	86
امام خمینی	7	86
باهنر	6	81
ثامن	9	105
رجایی	5	71
قدوسی	6	108
کامیاب	6	72
مدنی	6	-

درباره نتایج جدول بالا ذکر این نکته لازم است که میزان بالاتر متوسط مجازات در هر منطقه، نشان‌دهنده مهم‌تر بودن جرایم ارتكابی در آن منطقه است و از این لحاظ در مجازات‌های یادشده، محکومان مجتمع قضایی ثامن، رتبه‌های اول و دوم را به خود اختصاص داده‌اند. یعنی جرایمی که در منطقه ثامن به وقوع می‌پیوندد، به لحاظ میزان اهمیت و شدت (و به تبع آن، میزان مجازات)، نسبت به جرایم رخ داده در سایر مناطق شهر در رتبه بالاتری قرار دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه موردی جرایم در مهم‌ترین بافت فرسوده کلان‌شهر مشهد نشان داد که این بافت از نظر توزیع قضایی جرایم در سطح شهر تقریباً بالاترین میزان وقوع جرم را در بین مناطق دوازده‌گانه شهر داراست. در این بخش با استفاده از نظریه‌های اجتماعی و جرم‌شناسی و همچنین ویژگی‌های بافت‌های فرسوده به تبیین چگونگی تأثیر این ویژگی‌ها بر وقوع جرایم پرداخته می‌شود.

به این منظور با تقسیم ویژگی‌های بافت‌های فرسوده در سه دسته اصلی این مسئله تبیین می‌گردد:

ویژگی‌های کالبدی

منظور از ویژگی‌های کالبدی مجموعه خصوصیات شهرسازی و ریخت‌شناسانه¹⁴ بافت است. برخی از این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: ریزدانی، ناپایداری، نفوذناپذیری و... هر کدام از این عناصر می‌توانند به‌عنوان عامل مکانی - محیطی به ارتکاب جرم کمک کنند و به تعبیر جامعه‌شناسان، علت تسهیل‌کننده برای وقوع جرم به شمار می‌روند.

در بافت فرسوده ثامن، ریزدانی ساختمان‌ها و در کنار آن طراحی فضایی قدیمی که شامل انواع فضاهای دنج و نفوذناپذیر در ساختمان‌هاست و عنصر ناپایداری نیز وضع بسیاری از آن‌ها را به صورت مخروبه و نیمه‌مخروبه درآورده است، به همراه نفوذناپذیری معابر و کوچه‌ها و شکل تودرتو و ماریپیچ‌گونه آن‌ها¹⁵ و... به تعبیر کوهن و فلسون، یک بلکه چندین «هدف مناسب» برای وقوع جرم توسط افراد بزه‌کار را، به وجود آورده است. از پنج جنبه ساختار شهری که استارک (1987) به‌عنوان فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده ارتکاب جرم در محلات و کاهش نظارت اجتماعی غیر رسمی (و رسمی) برمی‌شمرد، تقریباً همه آن‌ها را می‌توان در بافت فرسوده اطراف حرم رضوی مشاهده کرد: تراکم (به دلیل وجود زایران و اسکان رسمی و غیر رسمی¹⁶ آن‌ها در بافت)، فقر (به دلیل کاهش کیفیت زندگی و منزلت سکونتی بافت)، کاربری مختلط (وجود منازل، بازار، اقامتگاه، کارگاه، انبار و... در یک محیط کوچک در کنار هم)، مهاجرت (ورود و خروج سالانه میلیون‌ها زایر به بافت) و خرابی و فروریختگی ساختمان‌ها.

این ویژگی‌ها انگیزه و «فرصت فیزیکی» بسیار مناسبی را برای «انتخاب عقلانی رفتار مجرمانه» فراهم می‌آورند. مثلاً همان‌گونه که اک و ویزبرد (1994) پیش‌بینی می‌کنند، بسیاری از ساختمان‌های مخروبه یا رهاشده بافت، محل تجمع معتادان و مکان‌های نگهداری یا خرید و فروش مواد مخدر هستند. کوچه‌های تنگ و تاریک و باریک، محل مناسبی برای ایجاد انواع مزاحمت‌ها برای زنان و کودکان است و...¹⁷ از سوی دیگر، نفوذناپذیری بافت به عاملی برای کاهش نظارت مؤثر پلیس و دستگاه‌های امنیتی - نظارتی تبدیل شده است. به طوری که با وجود حضور نسبتاً پررنگ نیروهای انتظامی در این بافت، عملاً کارآیی چندانی برای پیشگیری از وقوع جرایم وجود ندارد و حتی در برخی از موارد، خود افراد پلیس هم قربانی جرایم جنایی می‌شوند.¹⁸

ویژگی‌های جمعیتی

یکی از عوارض بافت‌های فرسوده شهری، مهاجرت نسبتاً قابل توجه ساکنان اصیل این مناطق (عمدتاً جمعیت جوان) به دیگر نقاط شهری به دلیل پایین آمدن کیفیت زندگی در بافت و نیز پایین آمدن منزلت سکونتی بافت فرسوده نسبت به دیگر نقاط شهری است. این روند مهاجرت دو پیامد عمده دارد: اول اینکه افراد و خانوارهایی که عموماً از طبقه پایین‌تر¹⁹ جامعه هستند، جایگزین بخشی از این جمعیت مهاجر می‌شوند و ساختار جمعیتی چهل تکه و ناهمگونی را در بافت به وجود می‌آورند. دوم اینکه اغلب جمعیت اصیل مهاجر را افراد نسل‌های بعدی (جمعیت جوان) تشکیل می‌دهند و با رفتن آن‌ها نسبت سنی جمعیت باقی‌مانده به سود افراد سال‌خورده و سالمند تغییر می‌کند. مانند منطقه ثامن (ر.ک بخش یافته‌های تحقیق). با جایگزینی مهاجران جدید و ناهمگون در بافت، هویت محله‌ای سابق بسیار کمرنگ می‌شود. به تبع آن پیوندهای

¹⁴. Morphological

¹⁵ در بافت فرسوده ثامن کوچه‌هایی داریم که به آن‌ها چند پیچ (مثلاً هفت پیچ) می‌گویند.

¹⁶ بخش زیادی از زایران حرم رضوی به جای اقامت در اماکن رسمی مثل هتل‌ها، اقامتگاه‌ها و مسافرخانه‌ها، در منازل، سوئیت‌ها و اتاق‌های اجاره داده شده توسط ساکنان و مالکان اسکان می‌یابند؛ عمده این مکان‌ها از نظارت‌های رسمی سازمان‌های مسئول مثل اداره اماکن، نیروی انتظامی و اداره بهداشت دور می‌مانند.

¹⁷ آمارهای ارائه شده در بخش یافته‌ها، صدق این مدعا را تأیید می‌کنند.

¹⁸ یکی از کارکنان نیروی انتظامی که محل فعالیتش در بافت ثامن بود نقل می‌کرد که بچه‌های کلانتری جرئت ندارند به تنهایی در معابر بافت تردد کنند و مواردی پیش آمده که برخی از آن‌ها مورد هجوم و آسیب ارادل و اشرار قرار گرفته‌اند.

¹⁹ مثلاً در بافت فرسوده ثامن، این مهاجران را معمولاً اهالی اقوام و شهرستان‌های مختلف استان تشکیل می‌دهند.

اجتماعی سست می‌شود و پدیده «گمنامی» افزایش می‌یابد. این تغییر باعث پایین آمدن امکان نظارت اجتماعی غیر رسمی بر افراد می‌گردد و مطابق نظریه کنترل، زمینه مناسبی برای فعالیت افراد بزه کار به وجود می‌آورد. تغییر نسبت سنی نیز به گونه‌ای مشابه به بالارفتن میزان آسیب‌ها و جرایم در بافت فرسوده کمک می‌کند؛ به این طریق که با کاهش جمعیت فعال در بافت و افزایش جمعیت سال خورده، امکان نظارت اجتماعی کاهش می‌یابد. چرا که این افراد سال خورده به دلیل ناتوانی‌های جسمی امکان حضور فعال و مؤثر در فضای عمومی بافت را ندارند و عموماً در منزل به استراحت مشغول‌اند و لذا امکان و معابر واقع در بافت به دلیل فقدان نظارت کافی از سوی ساکنان اصلی محله، به مکان‌های مناسبی برای وقوع جرم و آسیب تبدیل می‌شوند.²⁰

ویژگی‌های اجتماعی

منظور از ویژگی‌های اجتماعی در اینجا مجموعه خصوصیات فرهنگی و اجتماعی اهالی بافت فرسوده است و نقشی که این ویژگی‌ها در وقوع جرایم ایفا می‌کنند. مهم‌ترین این خصوصیات همانا پیدایش خرده‌فرهنگ‌های گوناگون کج‌روانه به تبع بالابودن میزان جرم در این بافت‌هاست. از این منظر تأثیر ویژگی‌های اجتماعی بر وقوع جرایم را شاید بتوان تا حدی پسینی دانست؛ بدین معنا که بالابودن میزان جرایم و خاصیت جرم‌خیزی بافت به ظهور انواع گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌های کج‌رو و بزه‌کار منجر می‌شود که این خود به ایجاد چرخه جرم و بازتولید و افزایش آسیب‌های اجتماعی خواهد انجامید. مطابق نظریه پیوند افتراقی (سادرلند) می‌توان گفت که بالابودن میزان ارتکاب جرم در بافت فرسوده، عملاً تعداد تماس‌های انحرافی افراد مستعد را (که در سنین اجتماعی شدن قرار دارند، مانند نوجوانان و جوانان) افزایش می‌دهد و با امکان عضویت در خرده‌گروه‌های کج‌رو و تعامل با آنان، خطر افزایش افرادی که بالقوه یا بالفعل در معرض ارتکاب جرم هستند بالا می‌رود. این امر به خصوص وقتی جدی‌تر می‌شود که بر طبق نظریه تقویت افتراقی (برگس و ایکرز) عضویت در این گروه‌ها و خرده‌فرهنگ‌ها و همکاری با آنان صورت رضایت‌بخشی به خود بگیرد و افراد در موقعیتی قرار بگیرند که کج‌روی را بر هم‌نوایی ترجیح دهند. عوامل فراوانی در این ترجیح دخیل‌اند که برخی از آن‌ها مانند فقر و احساس محرومیت نسبی، متغیرهای کلان و عمومی و برخی دیگر مانند پایین بودن امکان کنترل رسمی و غیر رسمی، خاص مناطقی مانند بافت‌های فرسوده‌اند. از جمله مهم‌ترین این عوامل خاص در بافت فرسوده اطراف حرم رضوی (ثامن) پایین بودن فضاهای عمومی مناسب برای گذران اوقات فراغت مانند فضای سبز، پارک و اماکن ورزشی و تفریحی در محدوده بافت، با وجود بالابودن میزان تقاضا برای آن‌هاست. بر مبنای الگوی تحلیل جرم‌خیزی بافت فرسوده ثامن می‌توان راه‌کارهای پیشنهادی برای پیشگیری و کاهش وقوع جرم بر مبنای ویژگی‌های اصلی این بافت (کالبدی، جمعیتی، اجتماعی) پیشنهاد کرد.

به لحاظ کالبدی: اصلاح وضع شهرسازی مساکن و معابر بافت، نوسازی و بازسازی املاک قدیمی و متروک و افزایش فضای سبز و فضاهای تفریحی - ورزشی؛ به لحاظ جمعیتی: ترغیب ساکنان اصیل بافت به باقی‌ماندن در بافت از طریق اعمال سیاست‌های مشوقانه و نیز سامان‌دهی وضع اسکان زایران در بافت؛ و به لحاظ اجتماعی: افزایش خدمات شهری و افزایش نظارت بر اماکن و معابر در بافت، می‌تواند به کاهش وقوع جرم در بافت ثامن بینجامد.

منابع

آمارنامه شهر مشهد (1387)، انتشارات واحد آمار و اطلاعات، سازمان فناوری اطلاعات و ارتباطات شهرداری مشهد.
ابراهیمی، سیدمحمد و علی مسگریان (1387) «آسیب‌شناسی اقتصادی نقاط حاشیه‌نشین و ارتباط آن با جرایم»، مجله اصلاح و تربیت، شماره 78.
احمدآبادی، زهره، مریم صالحی هیکویی، علی احمدآبادی (1387) «رابطه مکان و جرم»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره 27.

²⁰ در بافت فرسوده ثامن به دلیل ورود و خروج بالای جمعیت غیر ساکن (زایران)، عملاً امکان اعمال این کنترل اجتماعی غیررسمی از سوی سایرین نیز کم می‌شود.

احمدی، حبیب (1383) بررسی عوامل مؤثر بر تمایل حاشیه‌نشینان بر رفتار بزه‌کارانه؛ مطالعه موردی حاشیه‌نشینان شهر شیراز، شیراز: مرکز جمعیت‌شناسی.

اخگری اسلامی، محمدرضا (1381) بررسی وضعیت اقتصادی اجتماعی خانواده نوجوانان بزه‌کار کانون اصلاح و تربیت مشهد در سال 80-81، اداره کل زندان‌های خراسان رضوی.

اسنیپس، جفری، برایان جورج ولد (1381) جرم‌شناسی نظری (گذری بر نظریه‌های جامعه‌شناسی)، ترجمه محمد آشوری و علی شجاعی، تهران: سمت.

براتوند، محمود، و اسدالهی، عبدالرحیم. (بدون تاریخ). روند پژوهی دوازده ساله جرایم در شهر اهواز بر مبنای مطالعه و بررسی منطقه‌ای و جمعیت‌شناختی، بازیابی از سایت جامعه‌شناسی ایران:

http://sociologyofiran.com/index.php?Itemid=&44id=&438option=com_content&task=view

w

بهروان، حسین (1386) طرح آمایش فرهنگی شهر مشهد، دفتر مطالعات اجتماعی شهرداری مشهد.

بیانلو، یوسف، محمد کریم منصوریان (1385) «رابطه تراکم جمعیت با میزان و نوع جرم»، فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ششم، شماره 22.

پوراحمد، احمد، محمدتقی رهنمایی، محسن کلاتری (1382) «بررسی جغرافیایی جرایم در شهر تهران»، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، شماره 44.

بافتهای فرسوده و ناکارآمد شهری. (بدون تاریخ). بازیابی در 8، 4، 1389، از سایت شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران:

http://www.udro.org.ir/fa/index.php?option=com_content&view=article&id=&942Itemid=69

سالنامه آماری کشور (1385)، بازیابی از سایت مرکز آمار ایران:

<http://amar.sci.org.ir/>

صالحی، اسماعیل، مهناز ابوالحسنی (1386) «نقش عوامل محیطی محلات مسکونی در پیدایش ناهنجاری‌های رفتاری»، مجموعه چکیده مقالات همایش چالش‌های فرهنگی مسکن و همسایگی، ص 67.

صدیق سروستانی، رحمت‌الله (1385) آسیب‌شناسی اجتماعی (جامعه‌شناسی انحرافات اجتماعی)، تهران: دانشگاه تهران. قانون مجازات اسلامی. (بدون تاریخ). بازیابی از سایت قوانین دادگستری استان تهران:

<http://www.ghavanin.ir/detail.asp?id=1232>

کی‌نیا، مهدی (1374) جرم‌شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

گیدنز، آنتونی (1378) جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ پنجم، تهران: نی.

محمودی جانکی، فیروز، مجید قورچی‌بیگی (1388) «نقش طراحی محیطی در پیش‌گیری از جرم»، فصلنامه حقوق، سال سی و نهم، شماره 2 (پیاپی 10)، تابستان 1388.

مسعودی فر، رضا (1385)، تاثیر حاشیه‌نشینی در وقوع جرم بازیابی از سایت تخصصی حقوق:

hoqouq.com/article-print-263.html

ممتاز، فریده (1381) انحرافات اجتماعی، تهران: شرکت سهامی انتشار.

نصیری، معصومه (1385) «توزیع جغرافیایی مسکن گروه‌های کم‌درآمد شهری و رابطه آن با اعتیاد با تأکید بر شهر بابل»، مجله مطالعات اجتماعی ایران، تابستان 1385.

Ackerman, W. V. & A. T. Murray (2004) "Assessing Spatial Patterns of Crime in Lima, Ohio". *Cities*, 21: 423-437.

Anselin, L. J. Cohen, D. Cook, W. Gorr & G. Tita (2000) "Spatial Analyses of Crime", In D. Duffee, D. McDowall, L. Mazerolle & S. Mastrofski (Eds.) *Measurement and Analysis of Crime and Justice*, Vol. 4: 213-262, Washington, DC: National Institute of Justice.

Birkbeck, C. & G. G. LaFree (1993) "The situational Analysis of Crime and Deviance", *Annual*

- Review of Sociology, 19: 113-137.
- Clarke, R.V. (1980) "Situational Crime Prevention: Theory and Practice", *British Journal of Criminology*, 20: 136-147.
- Clarke, R. V. & D. B. Cornish (1985) "Modeling Offenders' Decisions: A Framework for Policy and Research" in M. Tonry, & N. Morris (eds.) *Crime and Justice*, Vol. 6, Chicago: University of Chicago Press.
- Cohen, L. & Felson, M. (1979) "Social Change and Crime Rate Trends: A Routine Activity Approach", *American Sociological Review*, 44: 588-608.
- Durkheim, Emil (1964/1893) *The Division of Labor in Society*, New York: Free Press.
- Eck, John E. & David Weisburd (1995) "Crime Places in Crime Theory", V. Ronald & Monsey Clarke (eds.), *Crime and Place: Crime Prevention Studies*, Vol. 4, New York: Willow Tree Press, Inc.
- Grasmick, H. G., C. R. Tittle, R. J. Bursik, & B. K. Arneklcv (1993) "Testing the Core Empirical Implication of Gottfredson and Hirschi's General Theory of Crime", *Journal of Review Crime and Delinquency*, 30: 5-29.
- Jeffery, C. R. (1977) *Crime Prevention through Environmental Design*, Beverly Hills, CA: Sage Publications.
- Newman, O. (1972) *Defensible Space: Crime Prevention through Urban Design*, NY: Macmillan.
- Ratcliffe. J. H. (2006) "A Temporal Constraint Theory to Explain Opportunity Based Spatial Offending Patterns", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 43 (3): 261-291.
- Sorenson, S. B., J. G. P. Manz, & R. A. Berk (1998) "News Media Coverage and the Epidemiology of Homicide", *American Journal of Public health*, 88: 1510-1514.
- Stark, R. (1987) "Deviant Places: A Theory of the Ecology of Crime", *Criminology*, 25: 893-909.
- Sun, I. Y., R. Triplett & R. R. Gainey (2004) "Neighborhood Characteristics and Crime: A Test of Sampson and Groves, Model of Social Disorganization", *Western Criminology Review*, 5:
- Tittle, C. R., D. A. Ward, & H. G. Grasmick (2003) "Self-control and Crime/Deviance: Cognitive vs. Behavioral Measures", *Journal of Quantitative Criminology*, 19: 333-365.